

فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی (پژوهش‌های زبان و ادبیات عربی)
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه رازی کرمانشاه
سال اول، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۹۰ هـ.ش / ۱۴۳۲ هـ.ق / ۲۰۱۱ م، صص ۱۲۷-۱۵۴

بررسی تطبیقی غدیریه‌های فارسی و عربی*

(مطالعه مورد پژوهانه: غدیریه‌های شهریار و بولس سلامه)

دکتر اعظم شمس‌الدینی

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ولی عصر (عج) - رفسنجان

دکتر کبری خسروی

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان

چکیده

نظر به اهمیت این واقعه‌ی مهم دینی و تاریخی غدیر و اهتمام شاعران پارسی و عرب به این قضیه، و نیز با توجه به کثرت آثار شاعران در این موضوع، این مقاله به بررسی تطبیقی غدیریه‌های دو شاعر معروف ایرانی و عرب، یعنی محمد حسین شهریار و بولس سلامه، و استخراج نقاط تشابه و تفاوت موجود در غدیریه‌های آنان می‌پردازد. شباهت این دو شعر از نظر نحوه پردازش موضوع و رویکرد ایشان به این قضیه تاریخی و نگاه ریزبینانه و توصیفات دقیق، و به کارگیری صنایع بیانی و بدیعی، در کنار تفاوت‌های منحصر به فرد، از عمده نتایج این تحقیق می‌باشد. با توجه به اهمیت این مسأله در تاریخ و ادبیات، شیوه‌های مختلف پرداختن دو شاعر به این موضوع و مقایسه غدیریه‌های فارسی و عربی، نیز مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امام علی علیه السلام، غدیریه، شهریار، بولس سلامه، ادبیات تطبیقی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۲۰

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲۲

رایانامه‌ی نویسنده‌ی مسؤل: Azamshamsoddini@yahoo.com

۱. پیشگفتار

شخصیت و مقام والای حضرت علی(ع) آن چنان واضح و روشن است که در تمامی حیطه ها، مشتاقان را به اظهار ارادت واداشته است. در این میان حوزه ی ادبیات نیز به نسبت خود از این دریای بیکران توشه ها برداشته و بهره ها برده است و شعرا و ادبا در طول تاریخ به فراخور هنر و ادب و توانایی خود به آستان این امام همام اظهار ارادت نموده‌اند. به طور کلی می‌توان شاعران علوی را به سه گروه تقسیم نمود: گروه اول را شاعران مکتب تشیع تشکیل می‌دهند که با توجه به التزام به این مکتب و ارادت به حضرت علی(ع) به عنوان سردمدار مکتب تشیع، آثار خود را با ذکر نام امام و اظهار ارادت به آستان ایشان زینت داده‌اند؛ شاعرانی فراوانی از کسایب گرفته تا شهریار از این دسته‌اند. گروه دوم شاعران اهل تسنن می‌باشند که بدون تعصب و غرض، این امام همام را توصیف نموده‌اند و در باره ی وی شعرها و قصیده‌ها سروده‌اند، بسیاری از شاعران نامدار و پیشکسوت ادب پارسی همچون حافظ، مولانا، عطار، سعدی و... در زمره شاعرانی هستند که به امامت و ولایت حضرت علی قائل نبوده‌اند و با این وجود در شرح بزرگی و عظمت حضرت داد سخن داده‌اند. دسته‌ی سوم شاعران ادیان دیگرند که علی رغم تعصبات موجود، درباره عظمت امام (ع) سخن‌های بسیار گفته و اشعار فراوان سروده‌اند. افرادی از قبیل داروین، جرج جرداق، جبران خلیل جبران و منفلوطی مصری و بولس سلامه از این قبیلند. با همه این توصیف‌ها، تمامی این نوع اشعار در حیطه شعر متعهد به شمار می‌روند که نه تنها از نظر ادبی، بلکه از نظر اخلاقی و تربیتی نیز بس سودمند می‌باشند؛ زیرا در آنها ذکر فضایل اخلاق، خصلتها، آداب، رفتار پیشوایان، آزادگیها، فداکاریها، پاکیزه‌ها، مجاهدتهای آنها و محبت آنها به انسانها و توده‌ها آمده است و اینها همه صورتی عمیق، پرورش دهنده و آموزنده است. (حکیمی، ۱۳۸۳: ۲۳۴)

با توجه به اهمیت مقام والای امام (ع) بر آن شدیم تا به بررسی تطبیقی سیمای حضرت علی(ع) در اشعار فارسی و عربی بپردازیم. اما نظر به کثرت اشعار علوی در ادیان و قرون مختلف، به بررسی اشعار دو شاعر نامدار فارسی و عربی در قرن چهاردهم و ذکر دستمایه‌های

این اشعار همت گماردیم. یکی از این دو، شاعر پارسی سنت گرا و معاصر شیعه یعنی شهریار ملک سخن و دیگری شاعر مسیحی و عربی زبان لبنانی، یعنی بولس سلامه می باشد. این مقایسه بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی صورت گرفته است یعنی با بررسی اشتراکات معنایی، میزان ارادت، علاقه و توجه دو شاعر فارس و عرب به مولا علی(ع) مشخص شود در عین حال که به اختلافات آنها هم می پردازد. خاطر نشان می شود کتاب ارزشمند و ماندگار «الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب» اثر دانشمند فرزانه علامه امینی، از مهمترین آثاری است که تا کنون به مباحث مختلف عقیدتی و ادبی در باب غدیر پرداخته است، وی در ۱۱ جلد تمامی زوایای غدیر را از نظر تاریخی و و ادبی به تصویر کشیده است و غدیریه سرایان عرب را از قرن اول تا دوازده هجری قمری معرفی نموده است. اما از باب اینکه از یک سو در این کتاب به غدیریه سرایان قرون متأخر پرداخته نشده و از سوی دیگر هدف نگارندگان این مسأله بررسی تطبیقی غدیریه های دو زبان فارسی و عربی می باشد، موضوع این مقاله انتخاب شد تا در عین جدید بودن، به شباهتها و تفاوتهای دو شاعر پرداخته شود. اما سؤالی که اینجا به ذهن متبادر می شود اینست که دو شاعر مطرح فارسی و عربی چگونه به بحث غدیر پرداخته‌اند و آیا در غدیریه خود علاوه بر بحث غدیر، موارد دیگری از قبیل اوصاف و ویژگیهای امام علی(ع) را نیز متذکر شده‌اند؟ و آیا در این دو غدیریه نقاط اشتراک و افتراق وجود دارد؟ همین سؤالات ما را بر آن داشت تا به بررسی این دو غدیریه ارزشمند بپردازیم. به عنوان مقدمه باید متذکر شویم که بولس سلامه در باب غدیر ملحمه ای طولانی دارد که در بخشی از آن به ذکر فضایل امام علی(ع) و ماجرای غدیر به صورت مفصل و همراه با جزئیات می پردازد، اما شهریار بر عکس بولس، قصیده ای طولانی پیرامون غدیر و اتفاق های آن ندارد، بلکه در چند قصیده به برخی اتفاقات روز غدیر می پردازد. لازم است قبل از ورود به بحث، آشنایی مختصری با زندگی و آثار این دو شاعر صورت گیرد.

بولس سلامه در سال ۱۹۰۲ در روستای «بتدین اللقش» از توابع جزین در جنوب لبنان زاده شد. (کحالة، ۱۹۸۵: ۱۵۶ / السید، ۲۰۰۴: ۱۳) از دوران کودکی مبادی زبان عربی را

آموخت و از همان ابتدا روح حماسه در وی آشکار بود. تحصیلات دانشگاهی را در رشته ی حقوق به پایان رسانید و از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۴ به قضاوت پرداخت. وی در حرفه ی خود به دادگری و عدالت مشهور بود. (داغر، ۱۹۸۳، ج ۴: ۳۴۸) در سال ۱۹۳۶ به سبب هجوم امراض و بیماریها، بدنش رو به ضعف نهاد و همین امر او را به نگارش کتاب «مذکرات جریح» وا داشت که در این کتاب خود را ایوب قرن بیستم نامید (السید، ۲۰۰۴: ۱۳). وی در سال ۱۹۷۹ از دنیا رفت و در روستای خود به خاک سپرده شد (کحالة، ۱۹۸۵: ۱۵۶). تألیفات وی عبارتند از: مذکرات جریح، ملحمه عید الریاض که بالغ بر هشت هزار بیت می باشد، حکایه عمر، عید الستین، ملحمه الغدیر، علی و الحسین، الصراع فی الوجود، مع المسیح، تحت السنديانة، حدیث العشیة، من شرفتی، فی ذلک الزمان، خبز و ملح، مختارات شعریه و ...

شهریار در سال ۱۲۸۵ در روستای «خشگناب» در بخش «قره چمن» در اطراف تبریز متولد شد. وی پس از پایان سیکل اول متوسطه در تبریز در سال ۱۳۰۰ برای ادامه تحصیلات به تهران رفت و در مدرسه ی دارالفنون (تا ۱۳۰۳) و پس از آن در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد. قبل از گرفتن مدرک دکتری «به علل عشقی و ناراحتی خیال و پیش آمدهای دیگر» ترک تحصیل کرد (زاهدی، ۱۳۸۵: ۵۹). پس از سفری چهار ساله به خراسان به منظور کار در اداره ثبت اسناد مشهد و نیشابور، شهریار به تهران برگشت و در سال ۱۳۱۵ در بانک کشاورزی استخدام شد و پس از مدتی به تبریز منتقل شد. استاد سخن معاصر، شهریار بیش از ۲۸ هزار بیت شعر به زبان فارسی و در حدود سه هزار بیت به زبان ترکی آذری سروده است.

شاید بهترین توصیف از شعر شهریار، این باشد که در سخن او بلندی طبع و روح حماسه فردوسی، مجلس آراییی و تابلو سازی نظامی، حکمت سنایی، عرفان مولوی، نازکی و نفوذ بیان سعدی، چکیدگی و استحکام و صداقت و در عین حال مرموزی غزلهای حافظ، سوز وحشی بافقی و حتی سلاست و سادگی ایرج را بشود، تشخیص داد. (همان: ۲۱) شهریار در بسیاری از اشعار خود تابلوهایی زیبا و بی نظیر از ارادت و علاقه قلبی اش به آستان پیامبر اسلام (ص) و نیز ائمه اطهار (ع) می آفریند. در مجموعه اشعار وی قطعاتی می توان مشاهده نمود که

ترجمه‌هایی از دیوان امام علی (ع) هستند که نمایانگر اهتمام شاعر به مضامین دینی و حکمی است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

بیشتر کسانی که «ملحمة الغدير» بولس سلامه را مطالعه نموده و اشعار نغز و دلنشین او را قرائت کرده‌اند به دشواری می‌توانند بپذیرند که این اشعار از زبان فردی مسیحی سروده شده باشد؛ زیرا در این اشعار صداقت و عاطفه چنان موج می‌زند که گویا بولس فردی شیعی مذهب است که با دلیل و برهان سعی در نمایش افتخارات و بزرگی‌های حضرت علی (ع) دارد تا او را نمونه‌ی بی‌بدیل امامت و جانشینی بعد از نبی (ص) به جهانیان معرفی نماید. او در مقدمه کتاب خود «عید الغدير ملحمة العربية» می‌نویسد: اگر سؤال کنند چرا در مورد علی شعر سرودی با آنکه تو مسیحی هستی؟ در جواب می‌گویم: هر یک از ابیات کتاب جواب سؤال توست و هر کدام بیانگر فضلی از فضایل اوست. علی مردی است که همه مسلمین او را به عظمت یاد می‌کنند، و مسیحی‌ها نیز از وی به بزرگی و زهد و تقوی یاد کرده و احادیث او را در مجالس خود ذکر می‌کنند. من در روی زمین کسی را در مقابل غم و اندوه و ستم‌گران، صبورتر از علی نیافتم، کل زندگی این مرد پر از غصه‌های فراوان بود. علی علیه السلام از آن روزی که چشم خود را در کعبه باز کرد تا وقتی که چشمش را در مسجد بست، درگیر با مشکلات و مصائب بود و... ولی در برابر همه آنها صبر کرد. بولس سپس می‌نویسد: اگر شیعه بودن عبارت است از حب اهل بیت نبی، پس من شیعه هستم. سپس خطاب به حضرت علی (ع) می‌گوید: شعر من در ساحل بیکران تو یک سنگریزه است، اما این سنگ به خون حسین خضاب شده است، پس این هدیه ناقابل را به خاطر امام حسین علیه السلام از من قبول کن... دلایل عظمت و بزرگی شخصیت امیر المؤمنین هر آینه برتر از آنست که بشمار آید. آن کس که بخواهد دلایل مزبور را بشمارد مانند کسی است که بخواهد پرتو خورشید را بچنگ آرد. (www.tebyan.net) سبک این اشعار نیز خود گواه بر این مطلب است زیرا این اشعار در قالب حماسه سروده شده است و موضوع یک اثر حماسی، کردار و رفتار پهلوانان و

حوادث قهرمانی و افتخارات تاریخی و باستانی یک ملت است از همین رو چشم اندازی گسترده، سبکی عالی و ساختی ماهرانه دارد. (صابری، ۱۳۸۹: ۸۵)

بولس سلامه در ملحمه‌ی خود که مرکزیت و محور آن را امام علی(ع) تشکیل می دهد، یک سیر تاریخی از زندگی امام(ع) در قالب شعر ارائه می دهد، او پس از ذکر افتخارات و فضایل بنی هاشم در عصر جاهلی و حادثه ی بعثت نبوی، به امام علی(ع) می پردازد که در ادامه اشعار او در بخشهای مختلف مقاله خواهد آمد.

۲-۱. بیان فضائل امام علی(ع)

بولس در این نوع از اشعار، فضائلی از حضرت علی(ع) را بر می شمرد که او در آنها امام را بی نظیر و بی رقیب می داند. به عنوان مثال او در بسیاری از موارد حضرت را به شجاعت توصیف نموده است و این ویژگی را با تشبیهات و تعابیر گوناگون بیان کرده است، گاه با بهره گیری از استعاره، از امام به عنوان شیر سرزمین حجاز و عقاب تیزتک دره ها و تنها شمشیر زن میدان جنگ تعبیر می کند:

بِاسْمِ لَيْثِ الْحِجَازِ نَسِرِ الْيَوَادِي خَيْرَ مَنْ هَزَّ فِي الْوَعْيِ سَمَهْرِيًّا

(السید، ۲۰۰۴: ۲۳)

(ترجمه: به نام شیر دیار حجاز و عقاب دره ها و بهترین کسی که در کارزار شمشیرش را به اهتزاز درآورد.)

او در این بیت اشعارش را به نام و یاد امام (ع) می سراید و اعتقاد دارد شعر او با یاد امام از ذهنش تراوش می کند و خلق می شود و با به کار بردن استعارات به صورت مفرد، شجاعت را محصور در وجود مقدس آن حضرت می داند. در بیت دیگری نیز این معنا را با تأکید بیشتر چنین بیان می کند:

بَطَّلُ السَّيْفِ وَ التَّقَى وَ السَّجَايَا مَا رَأَتْ مِثْلَهُ الرَّمَّاحُ كُمِيًّا

(همان)

(ترجمه: پهلوان شمشیر و تقوا و فضائل که تا به حال نیزه‌ها مثل چنین دلاوری را ندیده‌اند.)

بولس عاشق و شیفته‌ی شجاعت و فضائل اخلاقی است و چه کسی جز علی(ع) این ویژگی‌ها را در خود به تمام و کمال جمع کرده است:

أَنَا مَنْ يَعشِقُ الْبُطُوْلَةَ وَالْإِلَهَ هَامٌ وَالْعَدْلَ وَالْخَلَقَ الرَّضِيًّا

(همان: ۲۹)

(ترجمه: من عاشق پهلوانی و الهام و عدالت و اخلاق پسندیده هستم.)

بنابراین حضرت علی گرچه پیامبر نیست؛ اما چون تربیت یافته مکتب پیامبر است، اخلاقی پیامبرگونه دارد:

فَإِذَا لَمْ يَكُنْ عَلِيٌّ نَبِيًّا فَلَقَدْ كَانَ خُلُقُهُ نَبَوِيًّا

(همان)

(ترجمه: اگر علی(ع) پیامبر نیست، اما اخلاقش چون پیامبر است.)

ویژگی اخلاقی دیگری که امام(ع) در آن منحصر به فرد است، زهد و تقوا می باشد که بولس نیز از آن غافل نمانده و در اشعار خود به آن اشاره نموده است:

خَيْرٌ مَنْ جَلَّلَ الْمِيَادِينَ غَارًا وَأَنْطَوَى زَاهِدًا وَمَاتَ أَبِيًّا

(همان: ۲۳)

(ترجمه: او) بهترین فردیست که میادین کارزار را شکوه بخشید و زاهدانه دست کشید و بی آنکه تن به ذلت دهد، از دنیا رفت.)

او در این بیت، حضرت را انسانی زاهد می داند که تن به ذلت نمی دهد و در برابر ظالمان سرکش است و از همین رو در میدان‌های نبرد شجاعانه پیکار می کند و در این زهد و تقوا کسی را یارای برابری با او نیست:

وَأَمِيرُ الزَّهَادِ قَبْلًا وَبَعْدًا حَسْبُهُ فِي الطَّعَامِ قُرْصُ الشَّعْبِيرِ

(همان: ۳۳)

(ترجمه: امیر زاهدان قبل و بعد از خود که به قرص نانی قناعت می کرد.)
او علی(ع) را دانشمندی برجسته می داند که بهترین استاد برای جوینده ی علم و حقیقت
است:

وَالْفَقِيهَ الْعَظِيمُ أَصَوَّبُ خَدَّ ۖ سَلِقَ اللهُ رَأْيًا لَطَالِبِ مُسْتَنْبِرِ

(همان)

(ترجمه: و دانشمند برجسته که برای جوینده ی حقیقت بهترین گزینه در آفریده های
خداست.)

شهریار نیز در بسیاری از اشعارش و در جای جای قصائدش به بیان فضائل امام می
پردازد. یکی از ویژگی هایی که شهریار بر آن تأکید بسیار دارد، تجلی انسان کامل در وجود
امام است:

حق اگر جلوه با وجه اتم کرده در انسان

کآن نه سهل است و نه آسان

بخود حق که تو آن جلوه با وجه اتمی

(شهریار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۱۳)

یا در بیت دیگری از همین قصیده شهریار با استناد به حدیث قدسی، بیان هدف خلقت
بشر، امام و خاندان ایشان را هدف خلقت بر می شمرد که نمونه انسان کامل بوده و مظهر واقعی
تجلی انسان با صفات و ویژگی های خدایی اند:

آدمی جامع جمعیت و موجود اتم است

گر به معنای اعم است

تو بهین مظهر انسان بمعنای اعمی

بابی انت و امی

چون بود آدم کامل غرض از خلقت عالم

پس به ذریه آدم

جز شما مهد نبوت نبود چیز مهمی

بابی و انت و امی

(همان)

شجاعت امام، دیگر صفتی است که از نظر شهریار دور نمانده است. وی با زیبایی هر چه تمامی تصویری از شجاعت امام ارائه می دهد که در عین شجاعت، صلابت و استواری امام(ع) را نیز به نمایش می گذارد:

لشگر کفر اگر موج زند در همه دریا

همه طوفان همه دریا

چه کند با تو که چون صخره صمّا و اصمّی

بابی انت و امی

یا علی خواهمت آن شعشعه تیغ زرافشان

هم بدو کفر سر افشان

بایدم این لمعان دیده ندانم به چه لمّی

بابی انت و امی

(همان: ۱۱۱۴)

تصویری که شهریار از شجاعت امام ارائه می دهد تصویری است که در آن لشگر کفر در تعداد و کثرت به دریای بیکران تشبیه شده اند که با وجود موجهای بسیار و ویرانگر در برابر استواری امام که چونان صخره بس محکم استوار و پابرجاست، حتی برای لحظه ای با تمام قوا نمی توانند ایشان را یک ذره تکان دهند و از دست یابی به اهدافش باز دارند و همین است که پیامبر در مورد امام فرمودند: «لا فتی الاّ علی، لا سیف الاّ ذوالفقار» (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۴۱: ۱۰۱) و شهریار سخن نیز به زیبایی با استناد به این سخن پیامبر خاتم سروه است:

نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لا فتی را

(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۹)

این شجاعت نه در وجود امام علی (ع) که در وجود ذریه امام نیز بروز و جلوه ای خاص دارد به گونه ای در تمامی صحنه های نبرد در صدر اسلام نمونه هایی از آن را می توان مشاهده نمود. صحنه کربلا از بهترین نمونه های آن است که از دید شهریار پنهان نمانده و به گفته او این تنها وجود مولاست که پسری همچون امام حسین (ع) را شایسته و بایسته است:

بجز از علی که آرد پسری ابوالعجائب که علم کند به عالم شهدای کربلا را

(همان)

شهریار از زبان مبارک امام نیز به بیان شجاعت ایشان نیز می پردازد:

نه من سرلشگر اسلام بودم؟ شرر در خرمن کفار بفکن؟

نه شمشیر علی آن شعله کزوی؟ اجاق کفر و دین خاموش و روشن؟

نه من برداشتم از راه اسلام؟ صنادیدی همه چون سد آهن؟

نه احمد «لافتی الا علی» گفت؟ نیامد در احد «ناد علیا»

به ایمان و به بازو و به شمشیر نه من سیمرخ پرورد و تهمن؟

(شهریار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۴۷-۱۱۴۸)

این بیانات را امام در مجلس خلیفه دوم در دفاع از حق خود در جانشینی پیامبر فرموده اند که شهریار با زیبایی هر چه تمام در شعرش به تصویر کشیده است.

نه تنها شجاعت امام زبانزد است که زهد و تقوی و ایمان امام در بهترین و کاملترین حالت

در وجود امام (ع) جمعند:

علی ای صاحب شمشیر و لوای توحید ای به اسلام تو ایمان دو عالم تسلیم

(همان: ۱۰۰۹)

ایمان امام کاملترین ایمان است و همه در برابر آن سر تسلیم و تواضع فرود می آورند و

همین فرد است که با او می توان خدا و بلکه تمام هستی را شناخت:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ما سوا فکندی همه سایه همارا

دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۹)

هما، پرنده‌ای افسانه‌ای است در تاریخ ادبیات فارسی که او را مظهر فرّ و شکوه می‌دانند و به فال نیک می‌گیرند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵: ۲۳۵۱۸) تشبیه «همای سعادت» در ادبیات و در شعر به کرات به کار رفته است و شهریار با استفاده از آن امام را آیه و حجت خدا می‌داند.

شهریار در اشعار خود با بیانی روایی و داستان گونه نیز به بیان زهد و تقوای امام می‌پردازد. برای نمونه می‌توان به شعر «علی و دنیا» اشاره نمود که در آن دنیا در چهره زیبارویی در برابر ایشان جلوه می‌کند و امام جوابی عبرت آمیز برای تمامی جهانیان در تمامی اعصار بیان می‌دارند. امام با اظهار این نکته که پایان کار همه آدمیان و حتی صالحان و برترین انسان عالم یعنی وجود مبارک پیامبر نیز مرگ بوده است، تمامی نقشه‌های شوم دنیای دنی را نقش بر آب می‌کنند. (ر.ک: شهریار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۰۸۷ - ۱۰۸۹)

دیگر فضیلتی از امام را که شهریار در شعرش به تصویر می‌کشد، دوشادوش بودن امام با پیامبر اسلام در تمامی صحنه‌های صدر اسلام است. علاوه بر این عقد اخوت و برادری میان پیامبر و امام فضیلتی است منحصر به فرد که تنها امام علی (ع) از آن برخوردار گشته اند:

اگر سنجند هر سهمی در اسلام هر آنکو سهمگین تر حصه من
نه احمد در مؤاخاتم به خود خواند نه خود با من پسر عم و پدر زن؟
نه بر دوشم گرفت و ریخت اصنام؟ بدو نظاره هر بازار و برزن؟
... به نسبت یا به سبقت یا به اسلام که را یارای همدوشی است با من؟

(همان: ۱۱۴۷)

دیگر ویژگی امام در شعر شهریار رحمت و وفاداری و جود و بخشش امام است:

مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ار نه دوزخ

به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن

که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۹)

او امام علی(ع) را سحاب رحمتی می بیند که اگر در روز محشر باریدن نگیرد، غضب الهی و خوف ایزدی جان بندگان خطاکار را خواهد سوزانید. شهریار نه در بیت بالا که در شعری مستقل نیز با اشاره به داستان نزول سوره «هل أتى...» به بیان کرم و بزرگواری و بخشش امام و خانواده کریم و بزرگوار ایشان می پردازد. (ر.ک: شهریار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۰۰۹)

۲-۲. بیان ارادت و اظهار دوستی و محبت نسبت به امام علی(ع)

بولس، گرچه مسیحی است، اما در موارد بسیار زیاد عشق و ارادت خود را به این امام در قالب شعر به تصویر کشیده است، گاه از وفاداری خود به او سخن می گوید:

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا وَقَائِي أَحْمَدُ اللَّهُ أَنْ خُلِقْتُ وَفِيَا

(السيد، ۲۰۰۴: ۲۷)

(ترجمه: ای امیرمؤمنان، این وفاداری من نسبت به توست و از اینکه وفادار آفریده شدم، خدای را سپاس می گویم.)

او اعتقاد دارد فقط شیعیان هوادار و عاشق امام علی(ع) نیستند، بلکه هر انسان منصفی که درست قضاوت کند و درست بیندیشد، علی را دوست خواهد داشت:

لَا تَقُلْ شَيْعَةً هُوَاةٌ عَلِيٍّ إِنَّ فِي كُلِّ مُنْصِفٍ شَيْعِيَا

(همان: ۲۴)

(ترجمه: مگو که فقط شیعیان دوستدار علی هستند بلکه هر انسان عدالت پیشه ای شیعه ای اوست.)

او در این طرفداری و دوستی، آسمان و زمین را شاهد می گیرد تا به همگان این محبت و دوستی خود را بیان کند:

يَا سَمَاءُ أَشْهَدِي وَايَ اَرْضُ قَرِيَّ وَاخْشَعِي إِنِّي أَرَدْتُ عَلِيًّا

(همان: ۲۳)

(ترجمه: ای آسمان شاهد باش و ای زمین چشمت روشن باد که من دوستدار علی و طالب

اویم.)

او به این اظهار ارادت، افتخار می کند و از اینکه سراسر وجودش را حب علی(ع) فرا

گرفته، به خود می بالد:

يَا أَمِيرَ السَّلَامِ حَسْبِي فَخْرًا
إِنِّي مِنْكَ مَالِيَّ أَصْغَرِيَّا
عُدَّ مِنْ فَرَطِ حُبِّهِ عَلَوِيَّا
جَلَجَلَ الْحَقُّ فِي الْمَسِيحِي حَتَّى

(همان: ۲۹)

(ترجمه: ای پادشاه صلح و سلامتی، افتخار من همین بس که دل و زبانم از محبت تو لبریز

است./حقیقت چنان در یک فرد مسیحی آشکار گشت که از شدت عشق به او، در شمار

علویان گشته است.)

در تمام این موارد و نمونه های زیاد دیگر، که در این مجال قابل بیان نیست، عشق و

ارادت همراه با اخلاص و صداقت در اشعار این بولس، موج می زند.

شهریار که خود فرزند امام و از سلاله سادات است، تقریباً در تمامی اشعاری که پیرامون

امام علی(ع) سروده است، ارادت قلبی اش را به آستان مولا با زبانی متواضعانه و عاشقانه اظهار

می دارد. بارزترین عرض ارادت شهریار در قصیده‌ای با مطلع «علی ای همای رحمت...» به

نمایش در آمده است. بر بسیاری از خوانندگان داستان سرودن این قصیده و خواب علامه

مرعشی نجفی پیرامون آن پوشیده نیست. شاعر در این قصیده ضمن اعتراف به فضایل والای

امام و برشمردن ویژگیهای ایشان، نهایت عشق و محبتش را به آستان امام عرضه داشته است:

به دو چشم خون فشام هله ای نسیم رحمت

که ز کوی او غباری به من آر توتیا را

به امید آن که شاید برسد به خاک پایت

چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را
چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان
که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را
چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم
که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را
«همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»
ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب
غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۹)

در دیگر قصیده:

یاعلی نام تو بردم نه همی ماند و نه غمی / بایی و انت و امی / گوئیا هیچ نه همی به دلم /
بوده نه غمی / بایی انت و امی (شهریار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۱۲)
از دیدگاه او، نام و یاد علی(ع)، غم و هم تمام عالم از دل غمگین می برد و هموست که
عاشقان بیمار غم اویند:

آنجا که به شمشیر جفای تو بمیـرم
بگذار به امید وفای تو بمیـرم
... ای عشق تو جاویدی و من فدیـه و لیکن
جاوید نمیـرد که به جای تو بمیـرم
قربانی کوی توأم ای کعبه عشاق
بگذار که من هم به منای تو بمیـرم
در مروه صفا کن بطلب جان که بهشت است
آن مروه که در وی به صفای تو بمیـرم

... بیمار غم عشقم و بهبود نیابم
الا که به درد و به دواى تو بمیرم
... یک عمر به زندان تولا و تبرا
ماندم که امیرا به ولای تو بمیرم

(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۰۷)

شهریار، فردی وفادار به حضرت است و در این راه، اگر از او ناملایمتی هم ببندد، باز عاشق همیشگی اوست و حاضر است در راه این عشق و اخلاص، جان خود را فدا کند. این معنا را در غزل فوق به زیبایی ابراز داشته است.

۲-۳. اثبات منزلت امام علی (ع)

بولس در یکی از قصایدش به حدیث الدار اشاره می‌کند که پیامبر(ص) اقوام و خویشان را جمع نمود و علی(ع) را به عنوان وصی و جانشین پس از خور به ایشان معرفی نمود:

أنت منی و وارثی و وزیرى و عَلَى الحوضِ أنت بكرُ شهودى

(السید، ۲۰۰۴: ۴۰)

(ترجمه: تو وارث و وزیر من خواهی بود و بر حوض کوثر، تو اولین شاهد و گواه منی.)
در جای دیگر به شب هجرت پیامبر اشاره می‌کند که هیچ کس جز علی نتوانست خطر خوابیدن در بستر پیامبر را به جان بخرد، چرا که او اطمینان داشت خداوند یاور او خواهد بود و او را از خطرات محفوظ خواهد داشت:

لَفَّ بُرْدُ النَّبِيِّ صَدَرَ عَلِيٍّ فَالِإِطَارِ السَّنِيِّ ضَمَّ المَقَاخِرِ
رَقَدَ اللَّيْلُ نَائِمًا بِفِرَاشِ حَشْوَةَ المَوْتِ فَالْوِسَادِ مَخَاخِرِ
إِنْ يَنُمُ فِي مَضَاجِعِ المَوْتِ حُبًّا بِالنَّبِيِّ العَظِيمِ فَاللهُ سَاهِرِ

(همان: ۴۱)

(ترجمه: عبای پیامبر سینه‌ی علی را در برگرفت و این عبای گرانبها، بزرگی‌ها را در خود جای داد، شب را بر بستری خوابید که مرگ آن را احاطه کرده بود و بالینش پر از خطر بود،

اگر شب را در بستر مرگ به عشق پیامبر، می خوابد، خداوند بیدار است و او را حفظ خواهد نمود.)

البته این نوع اشعار محدود به همین ابیات نمی شوند و شاعر در موارد زیادی، از حضرت علی چنان تعریف کرده که کاملاً نشان دهنده ی لیاقت او در جانشینی بعد از پیامبر می باشد. در بسیاری از اشعار دیوان شهریار تبریزی نیز به ابیاتی برمی خوریم که در آنها شاعر در صدد اثبات مقام والا و منزلت حضرت علی (ع) است. از جمله آنها می توان به جریان خوابیدن ایشان به جای پیامبر در لیلۃ المبیت اشاره نمود:

علی آن شیر خدا شاه عرب الفتی داشته با این دل شب
شب ز اسرار علی آگاه است دل شب محرم سر الله است
... شاهبازی که به بال و پر راز می کند در ابدیت پرواز
... عشقبازی که هم آغوش خطر خفت در خوابگاه پیامبر

(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۲: ۹۳۹)

یا در دیگر شعرش با عنوان «یا علی» با اشاره به آیه «هل أتى...» و نیز حدیث «لافتی...» در صدد بیان عزت و عظمت و منزلت برجسته مولا است:

فیاض در فضیلت تو گفته هل أتى لولاک در فتوت تو لافتی علی

(همان: ۴۰۷)

نه تنها مسلمانان و موافقان امام علی (ع) به جایگاه و منزلت والای امام واقفند که مخالفان نیز بر این مسأله اتفاق نظر دارند و آن را بارها و بارها تصدیق کرده اند:

گواه فضل تو آن به که دشمنان باشند

مثل خوشست و به مصداق خوشتری هم وصل

یکی بگفته شبل الشمیل بد زندیق

ببین که گفته به وصف علی خطابی فصل

«علی است نسخه فردی که شرق و غرب جهان

دگر ندید سوادى از او مطابق اصل»

(شهریار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۰۵۰)

حدیث منزلت نیز در شعر شهریار نمودی ویژه دارد و شاعر آن را از زبان مبارک امام (ع)

این گونه بیان می کند:

هر آن نسبت که موسی را به هارون همان نسبت محمد راست با من

(همان: ۱۱۴۷)

۲-۴. ولایت حضرت علی (ع)

شاید بتوان گفت مهمترین قسمت از ملحمه ی بولس سلامه را قصیده ی غدیر یا غدیریه ی او، تشکیل می دهد. او در این غدیریه که شامل ۹۲ بیت است، با نگاهی بسیار ریزبینانه و دقیق، به توصیف روز غدیر و وقایع مهم آن روز می پردازد و چنان دقیق آن را توصیف می کند که گویی تابلویی زیبا و دقیق را در برابر چشمان بیننده به تصویر کشیده است. شاعر ابتدا از آخرین سفر حج پیامبر(ص) که به حجة الوداع مشهور است، سخن می گوید و به ازدحام حاجیان که چون امواج دریایی خروشان می مانند، اشاره می کند:

عَادَ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ الْخَطِيرِ وَ لَفِيفُ الْحَجِيجِ مَوْجٌ بِحُورِ
لُجَّةٌ خَلْفَ لُجَّةِ كَانْتِشَارِ الْغَيْمِ صُبْحاً فِي الْفُدْفُدِ الْمَعْمُورِ

(السید، ۲۰۰۴: ۳۰)

(ترجمه: پیامبر از آخرین حج مهم خود بازگشت، در حالی که انبوه حجاج، همچون امواج

دریا او را در بر گرفته بودند. / جماعتی در پس جماعت دیگر مانند پراکنده شدن ابر های

سحرگاهی در بیابانی وسیع.)

البته شاعر در بیان توصیف ازدحام حجاج فقط به همین تشبیهات اکتفا نمی کند بلکه از

تشبیه ها و تعبیرهای دیگری نیز مدد می گیرد، به عنوان مثال همهمه ی زائران را به در هم

پیچیدن صدای زنبوران تشبیه می کند:

وَالْمُلْبُونِ فِي الْحَطِيمِ كَرَجَعِ النحلِ يَنْبُتُ هَادِرًا فِي الْقَفِيرِ

(همان)

(ترجمه: همهمه‌ی لیبک گویان در کنار رکن حطیم، چون ترجیع صدای زنبوران در صحرای خشک و بی آب و علف می ماند.)

بولس سپس به معرفی مکان «غدیر خم» و توصیف گرمای آن جا پرداخته و آن مکان را این گونه معرفی می کند:

عَرَفُوهُ غَدِيرَ خَمٍّ وَ لَيْسَ الـ عَوْرُ إِلَّا ثُمَالَةً مِنْ غَدِيرِ
أَيُّ مُسْتَنْفَعٍ وَخِيمٍ كَأَنَّ الـ مَاءَ فِيهِ غَضَارَةٌ مِنْ قِيرِ

(همان: ۳۱)

(ترجمه: آن را به نام غدیر خم می شناختند، اما آن گودی، جز ته مانده ای از برکه ی آب، چیزی نبود. یعنی باتلاقی بد آب و هوا که گویی آب آن قیرسیاه باشد.)

یکی دیگر از مباحثی که بولس به آنها توجه دارد، توصیف حالت روحی پیامبر(ص) و نگرانی آن حضرت و نزول وحی توسط امین وحی بر ایشان می باشد. بولس در آیات زیر از نگرانی و انتظار پیامبر(ص) و نزول جبرئیل و وحی آسمانی سخن به میان می آورد:

وَ إِذَا بِالنَّبِيِّ يَرْقُبُ شَيْئًا وَ هُوَ فِي مِثْلِ جَمْرَةِ الْمَسْجُورِ
جَاءَ جِبْرِيلُ قَائِلًا: (يَا نَبِيَّ اللَّهِ بَلِّغْ كَلَامَ رَبِّ مُجِيرِ
أَنْتَ فِي عِصْمَةٍ مِنَ النَّاسِ فَانْثُرْ بَيْنَاتِ السَّمَاءِ لِلْجُمُهورِ
وَ أذِعْهَا رِسَالَةَ اللَّهِ وَحِيًّا سَرْمَدِيًّا وَ حُجَّةً لِلْعُصُورِ

(همان)

(ترجمه: در آن هنگام پیامبر(ص) که چون اخگری برافروخته می مانست، نگران و منتظر چیزی بود. جبرئیل آمد و ندا در داد: ای پیامبر، کلام پروردگار پناه دهنده ات را ابلاغ کن. تو از شر مردمان در امانی پس آیات آسمانی را برای همگان، منتشر نما. و این آیات را که وحیی همیشگی و حجتی برای همه ی دوران است، بیان کن.)

مشیت و اراده ذات اقدس پروردگار بزرگ بر این تعلق یافت که داستان غدیر پیوسته باقی و تر و تازه بماند و گذشت زمان آن را کهنه و متروک نسازد و سال و ماه، از اهمیت و اثر آن نکاهد. لذا در پیرامون آن آیاتی نازل فرمود که با صراحت بیان ترجمان آن باشد و امت اسلامی هر صبح و شام با ترتیل، آیات قرآن کریم را تلاوت و مدلول آیات کریمه را بخاطر بسپارند. گوئی خداوند سبحان ضمن تلاوت هر یک از آیات مربوط به آن توجه قاریان قرآن را به داستان مزبور معطوف می‌دارد و اثر درخشان واقعه مهمه غدیرخم را در قلب قاری تجدید، و طنین این واقعه را در گوش او منعکس می‌فرماید تا هر مسلمان و قاری قرآن آنچه را که از دین الهی در باب خلافت کبری بر او واجب گشته نصب العین قرار داده و بمدلول آن استوار و ثابت بماند. (امینی، بی تا، ج ۲: ۱۹) مهمترین این آیات آیه تبلیغ می‌باشد که یکی از مهمترین بخشهای شعر بولس را تشکیل می‌دهد. پیامبر بر منبری از پلان اشتران بالا می‌رود و سخن خود را آغاز می‌نماید و از مرگ خود سخن می‌گوید و پس از آنکه از همگان به صداقت و درستی خود اقرار می‌گیرد، چنین می‌گوید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَ مَوْلَى ناصِرِي وَ مُجِيرِي	ثُمَّ إِنِّي وَ لِيَكُم مِّنْذُ كَانَ الْيَوْمِ
يَا إِلَهِي مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ حَقًّا	فَعَلَى مَوْلَاهُ مَنْ غَيْرِ نَكِيرِ
يَا إِلَهِي وَالَّذِينَ يُوَالُونَ إِيَّاهُ	مَنْ عَمِي وَ انصُرْ حَلِيفَ نَصِيرِي
كُنْ عَدُوًّا لِمَنْ يَعَادِيهِ وَ اخذِلْ	كُلَّ نَكَسٍ وَ خاذِلِ شَرِيرِ

(همان: ۳۳)

(ترجمه: ای مردم همانا خداوند مولای من و شما و و یاریگر و پناه دهنده ی من است. و من از زمان پیدایش روزگار تا ابدیت، ولی شما خواهم بود، با پروردگارا، هر کس که من مولا و سرپرست اویم، از این پس، علی بی هیچ شک و انکار، مولای او خواهد بود. خدایا دوست بدار دوستان پر عزم را و یاری کن هم پیمانان یاریگر مرا. دشمن بدار دشمنانش را و خوار کن هر انسان پست و حقیر و بدکردار را.)

پس از این بخش، شاهد ذکر فضایل امام از زبان مبارک پیامبر اسلام (ص) هستیم و پس از آن سخن از حدیث والای ثقلین است. بولس در ابیاتی چند می گوید که پیامبر قرآن و عترتش را در دست مردم به امانت سپرد و روز قیامت بر لب حوض کوثر از نحوه ی این امانت داری پرسش خواهد نمود:

سَوْفَ أَلْقَاكُمْ عَلَى الْحَوْضِ إِذِ
يَأْتِي عَلِيٌّ بِكَبِيرٍ كُلِّي بِكَبِيرٍ
أَسْأَلُ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ حَفِظْتُمْ
عَفْوَ آيِ الْقُرْآنِ أَمْرَ سَفِيرِي
لَا تَضَلُّوا وَاسْتَمْسِكُوا بِكِتَابِ
اللَّهِ بَعْدِي بَعْتَرْتَنِي بِالْأَمِيرِ

(همان)

(ترجمه: روز قیامت در کنار حوض کوثر شما را ملاقات خواهم نمود آن هنگام که علی زود تر از همگان خواهد آمد. و از مؤمنان سوال خواهم نمود که چگونه آیات قرآن را حفظ نمودید؟ پس از من به بیراهه نروید و به کتاب خدا و اهل بیت من و حضرت علی(ع) چنگ زنید.)

و پس از آن از خوشحالی و سرور مردم و تبریک آنان به حضرت علی(ع) سخن می گوید:

فَأَتَاهُ الْمُهَنْتُونَ عِيُونََ الْـ
سَقَمِ يَبْدُونَ آيَةَ التَّوْقِيرِ
بِتِّ مَوْلِي لِلْمُؤْمِنِينَ هَنِيئًا
لِلْمِيَامِينَ بِالْإِمَامِ الْجَدِيرِ

(همان: ۳۵)

(ترجمه: سپس تبریک گویان و سران قوم، نزد او آمدند و او را بزرگ شمردند و اکرام داشتند. گوارا باد چنین امام شایسته ای بر مسلمانان فرخ پی و سعادت پیشه) شهریار برای اثبات ولایت حضرت علی (ع) است که در قصیده «عید غدیر مولای متقیان» به لزوم رهبری جامعه پس از پیامبر اشاره کرده، اگر سرور و پیشوایی برای دین نباشد، جسم و جان ارزشی ندارد و این گونه می سراید:

چه جای سر اگر سرور نباشد نجنبند دست و پا تا سر نباشد
خدا راهی گشود و هرگزش نیست که رهرو باشد و رهبر نباشد

شراب عاشقان در ساغری ریخت که جز با ساقی کوثر نباشد

(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۱۸۳)

شهریار، رهبر را برای جامعه به منزله سر برای بدن بر می شمرد و آن را فرمانده بدن می داند و بلکه محرک تمامی اتفاقاتی که حاصل می شود و همین حال برای جامعه خواهد بود اگر با وجود رهبری شایسته به پیش رود. امامت علی (ع) به منزله سر برای پیکر دین است. خداوند در روز غدیر خم نعمت خود را بر اهل اسلام و پیامبر تمام کرد.

او در ابیاتی دیگر که به مناسبت غدیر سروده است تمامی کسانی را منکر ولایت حضرت علی (ع) هستند کرو کور می خواند:

منکر عید غدیر خم و آن خط / به تنزیل / کر و کور است و عزازیل / با کر و کور چه /

عید و چه غدیری و چه خمی / بابی انت و امی (شهریار، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۱۳)

شهریار، (عزازیل: از نام های شیطان) علاوه بر این فقه بی امام را بی ارزش می داند چرا که پایه و اساس فقهت ولای علی (ع) است:

در تولا هم اگر سهو ولایت، چه سفاهت؟ / اف بر این شم فقهت / بی ولای علی و آل

چه / فقهی و چه شمی / بابی انت و امی (همان)

شاعر در قصیده ای دیگر از زبان امام علی (ع) نیز تصویر گر حوادث غدیر است:

به غوغای غدیر خم ندیدید؟ / به دست شه چو شاهینم نشیمن؟

نه با آن خطبه «من کنت مولا» / علی را برد بر اعلا و اعلىن؟

(همان: ۱۱۴۷)

پس از اشاره به سخن پیامبر که فرمودند «من کنت مولاه فعلی مولاه»، شهریار به تبریک

مردم حاضر در غدیر خم اشاره می کند که همگی با پذیرفتن سخن پیامبر به امام تبریک گفته

و با ایشان دست بیعت دادند اما خیلی زود عهد و پیمان شکستند و از اطاعت ایشان سرباز زدند:

نه خود فریاد بخا بخ کشیدید؟ من اینها شور خوانم یا شیون؟
چه شد عهد خدا بر من شکستید؟ الا ای حاسدان عهد بشکن؟

(همان)

نکته ای لطیف در این اشعار نهفته است و آن اینکه فریادهای تبریک به حضرت علی از سوی شهریار و از زبان امام شیون تلقی شده اند و شاید برآستی این همان حقیقت باشد که دشمنان مولا در آن روز با شیطان فریاد غم بر آوردند که با تعیین حضرت علی (ع) به پیشوایی امت اسلام دیگر این امت گمراه نخواهد شد و برای همین شیون و زاری سر دادند و از همان روز در حقیقت عهد خود را شکستند.

شهریار در ابیاتی که در مرثیه نبی اکرم (ص) از زبان مولا علی (ع) سروده به حدیث تقلین اینگونه اشاره می کند:

بی تو بر هیچ نشیبی و فرازی نروم
که نه از یاد تو نقشی به دل آرم منقوش
ای دل اینش دو ودیعه است: کتاب و عترت
گر بجانش بخزیدی بجهانش مفروش

(همان: ۱۱۳۸)

بولس در این مجال با تفصیل سخن می گوید و در حقیقت روایتگر تاریخ است. شهریار بر خلاف او علاقه چندانی به ذکر حوادث تاریخی ندارد. هرچند به برخی حوادث اشاره می کند. شاید بتوان دلیل این رفتار متفاوت این دو شاعر را مربوط به مذهب و فضای زندگی آن ها دانست. بولس در محیطی مسیحی رشد نموده و نیازمند بازگو کردن تاریخ و بیان حقایق است تا با دستمایه قرار دادن آنها به اظهار محبت نسبت به حقیقت وجودی امام بپردازد و از حقانیت وی سخن بگوید. اما محیطی که شهریار در آن سخن می گوید، محیطی است شیعه و شیعه

پرور و خود او نیز از سادات است لذا نیازی به بازگو کردن تاریخ اسلام نمی بیند، شاید کمتر از بولس در اطرافش منکر علی (ع) می بیند، لذا بیشتر به عرض ارادت می پردازد و از صفات و ویژگی های امام سخن می گوید.

۳. تحلیل زیبایی شناسی موضوع

مطالعه غدیریات دو شاعر گویای این مطلب است که هر دو نه تنها در زمینه محتوا و ابلاغ پیام اصلی اشعار (که همان موضوع غدیر می باشد) موفق بوده اند، بلکه سعی نموده اند با رعایت جنبه های زیبایی شناسی، از قبیل به کار بردن صنایع بیانی چون تشبیه و استعاره و استفاده از آرایه های بدیعی مانند انواع جناس، تکرار، طباق، لف و نشر و... زیبایی آثار خود را دو چندان کنند و دامنه خیال را در آنها گسترش دهند. در میان صنایع بیانی، به نظر می رسد، تشبیه و استعاره فراوانی بیشتری را به خود اختصاص داده اند البته این فراوانی در تشبیه بیش از استعاره است زیرا سبک غدیریات دو شاعر بیشتر جنبه اقناعی و بیان عقیده است تا جنبه ادبی و خیالی بنابراین تشبیه از استعاره کاربرد افزون تری دارد. البته این تشبیهات چنان پویا هستند که باعث ایجاد تصویرها و صحنه سازیهای زیبا از ناحیه دو شاعر گشته است. بولس سلامه به هنگام توصیف دقیق صحنه غدیر و جمعیت انبوه حاجیان، گاه آنان را به انبوه زنبورها و گاه به امواج بیکران دریایی پهناور و گاه به پوشش ابر در دریایی وسیع تشبیه می کند و همین تنوع در تشبیه یک چیز، عنان خیال شاعر را چنان رها می سازد که در ذهن مخاطب تصویر جمعیت انبوه، چون تابلویی پویا و متحرک، کاملاً مصور گردد. شهریار نیز از این قافله عقب نمانده است، در جای جای اشعار او نیز رد پای خیال وجود دارد و همین امر او را در آفرینش تصاویر شعری زیبا کمک می کند. او امام علی (ع) را به شیر خدا، همای رحمت، سحاب رحمت تشبیه می کند. البته تعبیر شیر خدا تا حدی با تعبیر بولس سلامه در این بیت هماهنگ است:

بِاسْمِ لَيْثِ الْحِجَازِ نَسْرِ الْبَوَادِي خَيْرَ مَنْ هَزَّ فِي الْوَعْيِ سَمَهْرِيًّا

(السید، ۲۰۰۴: ۲۳)

بولس در این بیت با استفاده از استعاره، امام علی (ع) را مظهر شجاعت معرفی کرده است و می توان گفت هر دو شاعر در تصویرسازی از شجاعت امام (ع)، او را تا آخرین حد شجاعت توصیف نموده اند. خاطر نشان می شود بیشتر موارد تشبیه و استعاره، در بیان فضایل امام می باشد.

اما از صنایع بدیعی می توان به استفاده از انواع جناس، چون جناس زائد، جناس مضارع، جناس اشتقاق اشاره کرد که این موارد در شعر شهریار بیشتر به چشم می خورد. مانند:

یا علی خواهمت آن شعشعه تیغ زرافشان

هم بدو کفر سر افشان

(شهریار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۱۴)

و یا این بیت از بولس که در آن جناس زائد به کار رفته است:

فَإِذَا لَمْ يَكُنْ عَلِيٌّ نَبِيًّا فَلَقَدْ كَانَ خُلُقَهُ نَبَوِيًّا

(السید، ۲۰۰۴: ۲۹)

صنعت بدیعی دیگر، صنعت طباق می باشد، بولس چه زیبا این صنعت را در بیت خود به کار برده است:

يَا سَمَاءُ أَشْهَدِي وَايَا أَرْضُ قَرِي وَأَخْشَعِي إِنِّي أَرَدْتُ عَلِيًّا

(همان: ۲۳)

شهریار نیز به طرز زیبا از این صنعت استفاده نموده است:

نه شمشیر علی آن شعله کز وی اجاق کفر و دین خاموش و روشن

(شهریار، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۴۷-۱۱۴۸)

در این شعر علاوه بر طباق، لف و نشر مرتب نیز وجود دارد که به موسیقی درونی شعر افزوده است.

صنعت بدیعی دیگر که هر دو شاعر به آن اهتمام گمارده اند، صنعت اقتباس است که در نقد ادبی جدید شاخه ای از بینامتنیت به شمار می رود و در یک معنای عام عبارت است از تداخل یک متن در متن دیگر، یعنی یک متن با تکیه بر متون پیشین خلق می شود (کیوان، ۱۳۹۸: ۱۵ / طعمه حلبی، ۲۰۰۷: ۱۳). هر دو شاعر در آثار خود از متون پیشین بهره برده اند اما چون اصل غدیر، بحثی دینی می باشد، بینامتنیت دینی در این آثار پررنگ می باشد و هر دو شاعر از منابع دینی یعنی قرآن کریم و احادیث شریف تأثیر پذیرفته اند، اما به نظر می رسد در غدیریه بولس سلامه این امر نمود بیشتری دارد چرا که شاعر اثری طولانی در باب غدیر آفریده است و زوایای تاریخی آن را کاملاً نمایان نموده است، گویا شاعر در تک تک ابیات خود سعی در اثبات ولایت امام علی (ع) با استناد بر شواهد و دلایل عقلی و نقلی داشته است و همین امر می طلبد که به اقتباس از قرآن کریم و احادیث شریف روی آورد که عمدتاً شامل آیه ولایت، حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث اخوت، حدیث الدار و حدیث ثقلین می باشد.

نتیجه

- ۱- بولس سلامه مسیحی و شهریار تبریزی هر دو در اشعارشان به ذکر اظهار اردت به آستان امام علی (ع) پرداخته اند. آنان به فضایل و ویژگی های امام علی (ع) همچون شجاعت، زهد و تقوی، استواری، جود و بخشش، رحمت و مهربانی وی اشاره می کنند.
- ۲- این دو شاعر در جای جای اشعارشان بلکه در تمامی اشعاری که پیرامون امام دارند به اظهار محبت و ارادت به ایشان می پردازند. در حقیقت اختصاص بخشهایی قابل توجه از اشعارشان نشان از دل بستگی و عشق آنها به این شخصیت دارد.
- ۳- این دو شاعر با امام و احاطه به تاریخ اسلام و با بهره گیری از احادیث پیامبر (ص) همچون حدیث منزلت و نیز حدیث ثقلین در اشعارشان، سخنان پیامبر را بیان می کنند احادیثی که متواتر بوده و مورد قبول شیعه و سنی هستند و هم چنین از عقد اخوت و برادری

میان پیامبر و امام سخن می گویند و آن را مایه عزت و منزلت خاص امام نزد پیامبر بر می شمردند.

۴- سخن از حوادث غدیر، دیگر موضوع مشترکی است که در اشعار علویات این دو شاعر وجود دارد. هر دو از حادثه غدیر سخن می گویند و از ولایت و وصایت امام پس از پیامبر که از سوی پروردگار وحی شده بود.

۵- در مقابل این تشابهات، اختلافاتی هم در اشعار این دو شاعر وجود دارد به عنوان مثال سبک غدیریه بولس سلامه، ملحمه و حماسه می باشد که شامل ابیات بسیار زیادی بوده و به تفصیل فضایل امام(ع) و ماجرای غدیر را بازگو می کند و بولس، با شعر خود سیر تاریخ را به رشته نظم درآورده است، اما اشعار شهریار نه تنها در قالب حماسه سروده نشده، بلکه قطعاتی کوتاه می باشد که فقط منحصر به جریان غدیر نیست، بلکه در ضمن اظهار ارادت به امام(ع)، به ماجرای غدیر نیز گریز می زند.

۶- شهریار برخلاف بولس، تمایلی به ذکر حوادث تاریخی ندارد و بیشتر در صدد عرض ارادت به محضر امام است زیرا در محیطی شیعه است که امام برای همگان شناخته شده است. لذا پیش فرض او این است که همه اطرافیانش نه تنها امام را می شناسند که به آستان او ارادت ویژه دارند.

۷- هر دو شاعر، همانگونه که در پرداختن به بحث ولایت و بیان ارادت و عقیده خود نسبت به این موضوع موفق بوده اند، در زمینه زیبایی شناسی نیز توانسته اند با استفاده از صنایع بیانی و بدیعی، گستره خیال خود را گسترش داده و تصاویر شعری زیبا و پویا بیافرینند.

منابع

الف. کتاب‌ها

۱. امینی، عبدالحسین (۱۳۶۵)؛ الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، ج ۲، ترجمه: محمد تقی واحدی، چاپ چهارم، تهران، بنیاد بعثت.
۲. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۳)؛ ادبیات و تعهد در اسلام، تهران، دلیل ما.
۳. داغر، أصد (۱۹۸۳)؛ مصادر الدراسة الأدبية، بیروت.
۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)؛ لغت نامه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
۵. زاهدی، لطف الله (۱۳۸۵)؛ مقدمه دیوان شهریار، چاپ ۲۸، تهران، نگاه.
۶. السيد، کمال (۲۰۰۴)؛ بولس سلامة شاعر الغدير و الكربلاء، الطبعة الثانية، بیروت، مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.
۷. شهریار، محمد حسین (۱۳۸۵)؛ دیوان شهریار، چاپ ۲۸، تهران، نگاه.
۸. _____ (۱۳۷۱)؛ کلیات دیوان، چاپ ۱۱، تهران، زرین.
۹. طعمه حلبی، أحمد (۲۰۰۷)؛ التناس بین النظرية والتطبيق، الطبعة الأولى، دمشق، وزارة الثقافة.
۱۰. کحالة، عمر رضا (۱۹۸۵)؛ المستدرک علی معجم المؤلفین، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۱۱. کیوان، عبدالعاطی (۱۹۹۸)؛ التناس القرآنی فی شعر أمل دنقل، الطبعة الأولى، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۵)؛ بحار الانوار، تهران، دار الکتب الإسلامية.

ب. مجله‌ها

۱۳. صابری، علی (۱۳۸۹)؛ «بررسی ویژگی‌های حماسه در «ملحمة عید الغدير» اثر بولس سلامه»، فصلنامه پژوهش ادبی، شماره ۱۹، صص ۱۰۱-۸۳.

فصلیة التّقد و الأدب المقارن (دراسات في اللّغة العربيّة و آدابها)

کلیة الآداب و العلوم الإنسانیة، جامعة رازی - کرمانشاه

السّنة الأولى، العدد ٣، خریف ١٣٩٠هـ.ش / ١٤٣٢هـ.ق / ٢٠١١ م

دراسة مقارنة لأشعار الغديريات الفارسية و العربية
(غدیریات شهريار و بولس سلامة نموذجاً)*

الدكتورة اعظم شمس الديني

أستاذة مساعدة في قسم اللّغة العربية و آدابها، جامعة ولي عصر (عج) - رفسنجان

الدكتورة كبرى خسروي

أستاذة مساعدة في قسم اللّغة العربية و آدابها، جامعة لرستان

الملخص

نظراً لأهميّة حادثة الغدير الدينية و التاريخية من جهة و اهتمام الشعراء العرب و الفرس بهذه القضية، و كثرة آثار الشعراء حول هذا الموضوع من جهة أخرى، قرّرنا أن نهتم بمعالجة غدیریات الشعارين الفارسي و العربي هما محمد حسين شهريار و بولس سلامة و استخراج وجوه التشابه و الافتراق الموجودة في غدیرياتهما. والجدير بالذكر أن تشابه هاتين الغديريتين من ناحية كيفية معالجة الموضوع، و اتّجاه الشعارين إلى هذه الحادثة التاريخية و الرؤية و التوصيفات الدقيقة و خلق التصاوير الشعرية، بجانب الافتراقات الفريدة و المتميزة من أهمّ نتائج هذا البحث. نظراً لأهمية هذه القضية في التاريخ و الأدب، يبدو من الضروري أن نفهم كيفية معالجة هذا الموضوع من جانب الشعارين و مقارنة الغديريات الفارسية و العربية بينهما.

الكلمات الدلّيلة: الإمام علي (ع)، الغديريات، شهريار، بولس سلامة، الأدب المقارن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ القبول: ١٣٩٠/٦/٢٠

* تاریخ الوصول: ١٣٩٠/٣/٢٢

عنوان بريد الكاتب الإلكتروني: Azamshamsoddini@yahoo.com